

جایگاه زبان کردی و اندازه پیوستگی آن با زبانهای ایرانی

محمد تقی ابراهیم پور

در آغاز گفتار از چند واژه نام می‌برم که عربها آنها را از زبان کردی برداشته و برخی را با دگرگون کردن ساختار ریشه آن و برخی دیگر را بدون دگرگونی به کار بسته‌اند. کاره‌با، چسپ، مسجد، ... از این گونه واژه‌ها هستند.

برای یافتن جایگاه زبان کردی از ریشه و بنیان نژاد آریایی سخن می‌گویم که ایرانیان و زبانهای ایرانی بخشی از آن به شمار می‌آیند.

بدرستی می‌توان گفت که افسانه جابجایی آریائیان از دشت پامیر و شمال هندوستان و پراکندگی آنان در خاورمیانه و اروپا فریبی بیش نیست و اروپاییان برای جلوگیری و گریز از اینکه فرزندان ایران شناخته شوند آن را ساخته و پرداخته‌اند. برهان بر این گفته بسیار است:

۱- مردم امروزه دشت پامیر هیچگونه ماندگی اندام و چهره با آریائیان اروپا و خاورمیانه ندارند و بیشتر به مردم خاور آسیا مانده هستند که دیدگان کج و تنگ و گونه‌های پهن دارند.

۲- اگر بگوییم که این افسانه درست است باید پرسیم که اگر مردمی، ایلی یا خانواده‌ای بهر بهانه و برهان از جایی کنده شده و به جای دیگر کوچ می‌کنند باید چپ و راست و بالا و پایین سرزمین خود را شناسایی کرده، آنجا که سرسبزتر و بارورتر است برای ماندن و نشستن برگزینند، آنجا که برای کشت و کار

و برداشت بهتر است. در شمال و خاور پامیر و هندوستان پهنه گسترده و بارور و خرم چین و هندوچین را می توان دید که آبادتر از بخشهای باختریست که آریاییان بدانجا کوچ کرده اند. پرسش اینست: چرا آریاییان به سوی چین و هندوچین نرفتند و به سوی باختر به راه افتادند. برای این پرسش پاسخ درستی هست: چون آریاییان از دشت پامیر کوچ را آغاز نکردند و از آنجا (گفته خواهد شد) که به راه افتادند به چپ و راست و بالا و پایین پراکنده شدند.

۳- هیچگونه نشانه ای که کوچ را از نیمروز (خاور) نشانه و برهان باشد در دست نیست و اگر هست درباره آنها به نادرست داوری شده است. بیشتر در این باره می گویم: در چند سال گذشته آنچه در کناره رودخانه سن از زیر زمین بیرون آورده شده نشان می دهد که «مُل» ها که خانواده ای آریایی هستند در ۷۰۰۰ سال پیش در آنجا شهرنشین بوده و می زیسته اند، این دسته از نژاد آریا هنوز به این نام خوانده می شوند و کهن ترین یافته ای که در ایران از زیر خاک به دست آمده است نیز به ۷۰۰۰ سال پیش باز می گردد. نادرست است بگوئیم که آریاییان ۷۰۰۰ سال پیش هم در ایران و هم در کناره رودخانه سن می زیسته اند. اگر آریاییان از خاور به راه افتاده اند اول در ایران و اندک اندک پس از گذر هزاران سال در کرانه پایانی اروپا نشیمن گرفته اند (شاید ۷۰۰۰ سال). بنابراین کوچ آریاییان در زمانی بسیار دورتر، شاید ۱۵ - ۲۰ هزار سال پیش آغاز گردیده است و ما هیچگونه یافته زیر زمینی از آن زمان به دست نیاورده ایم. زمان ۱۵ - ۲۰ هزار سال پیش با پایان دوره یخبندان زمین نیز هم آهنگ است. چنانکه می دانیم در زمانی نزدیک به ۱۵ - ۵۰ هزار سال پیش سراسر بخش شمالی گوی زمین را سرما و یخبندان فرا گرفته بوده و بجز کرانه های بالایی دریای هند و عمان که گرما بیشتر بوده، ماندگاری، زیستن و تکامل گونه انسان را یآوری می کرده دیگر سرزمینها شایستگی کمتری برای زندگانی داشته اند. بنابراین بهتر

است بگوییم که آرینها با دگرگونی آب و هوا و بهتر شدن زمین برای زیستن و فزونی یافتن شمار انسانها و کمبود جا در زمانهای بسیار دور و دراز به چهار سوی خود کوچ کرده‌اند. باز پرسش اینست: از کجا؟ زیرا گفتیم که نشستگان دشت پامیر به سوی شمال و خاور نرفته‌اند.

بسیار به اندیشه نزدیک است که آریائیان که نام خود را به سرزمینشان نیز (ایران) داده‌اند در ۱۵ - ۲۰ هزار سال پیش که آب و هوای زمین گرم‌تر شده و شایستگی بیشتر برای زیستن یافته است از ایران به چهار سوی خود کوچیده‌اند، از خاور به سوی هندوستان، از شمال به سوی روسیه امروز و قفقازستان سپس به سوی اروپا و از باختر به سوی بین‌النهرین و بالکان و یونان و از جنوب! دریا هم نتوانسته است از جنبش و کوچ آنان جلوگیری کند زیرا هم اکنون نشانه‌های زبان ایرانیان کهن در زبان بومی مردم «شیسل» دیده و شناخته می‌شود.

پس این درست است که در ۱۵ - ۲۰ هزار سال پیش آریائیان از ایران برای یافتن جایگاه زیست بهتر به جنبش در آمده و هر خانواده به سویی که به آن دسترس داشته کوچیده است.

واژه (زمین لاد) امروزه نیز در زبان یونانی کاربرد دارد و به گوش می‌خورد. این واژه همان زمین و سرزمین را به اندیشه و یاد می‌آورد که بخش (زمین) آن در خاور و بخش (لاد) یا (لند) در باختر جایگزین سرزمین و کشور شده است. به زبان دیگر «ایولند» همان ایران زمین است و زیباست اگر بدانید که بخشی از مردم آنجا خود را ماندهٔ خانوادهٔ «گیل» می‌دانند که همان «گیلک»ها هستند که در شمال ایران هم زندگانی می‌کنند.

بنابراین از سرزمین ایران، نژاد آریائی کوچ کرده و زبان خود را در شمال آسیا و خاورمیانه و هندوستان و اروپا پراکنده است و از آن زبان مادر است که گویشهای آریایی امروز پدید آمده و در سراسر جهان ساخته و پرداخته شده‌اند.

اکنون، اندکی از زمان کوچ آریائیان پیشتر می‌رویم تا برسیم به زمانی که امپراطوری ایران به دست همان آریائیان بر پا شده است، گسترده‌گی این کشور از رودخانه سند تا راه آب سوئز امروز، در زمانی دراز بوده است. به سادگی می‌توان کشوری گسترده از ماوراء النهر تا بین‌النهرین را در آن زمانها باز شناخت، زیرا نوشته درباره گذشته آن بسیار و فراوان است.

پایتخت چنین، کشوری که در میانه آن بر پا شده است در زمانهای دور و دراز، شهر تیسفون است و سپس مداین.

شهر تیسفون در کجا ساخته شده است؟ اندیشه درست می‌گوید که باید در کناره خاوری رودخانه دجله ساخته شده باشد تا از نظر پدافند نیز از آن دریای روان و موج سود جسته باشد. در دوران تَلِ مسلمانان عرب به ایران پس از گشودن مداین که بر جای تیسفون ساخته شده بود، مسلمانان در زمان چهار روز به حلوان و قصر شیرین رسیدند یا دو روز پس از نبرد جلولاء در سرپل زهاب بودند. راهی که جنگجوی پیاده عرب در چهار روز می‌پیماید از یکصد کیلومتر بیشتر نمی‌تواند باشد. امروز سرزمینهای قصر شیرین و سرپل زهاب، سراسر جایگاه کردان است به زبان دیگر در آن زمان اگر کردها پایتخت نشینان امپراطوری نبوده‌اند (که باید بوده باشند) بیش از یکصد کیلومتر از پایتخت دور نبوده‌اند و این راهی بسیار کوتاه است، در سرزمین یا کشوری بدان گسترده‌گی. پس آریایی یا پارسی یا کرد، آنانکه در این بخش می‌زیسته‌اند بر سراسر کشور باستانی ایران و به درستی بر نیمی از جهان آنروز فرمان می‌رانده‌اند. نویسندگان گذشته ایران هیچگاه ماد را از پارس جدا ندانسته‌اند و فرمانروایی پارسیان را «حکومت ماد - پارس» خوانده‌اند.

دیگر چیز که به نادرست به ما گفته شده است پیدایش فرمانروایی اشکانیان است که با اندوه باید گفت که از آن دلیران آگاهیهای اندکی در دست است.

گذشته نویسان، اشکانیان یا پارتها را سوارانی برخاسته از خاور ایران می‌دانند حال آنکه همان گذشته نویسان به ویژه در دورانهای نزدیک به ساسانیان نشستگاه و جایگاه آنان را آذربایجان، همدان، ری و اصفهان نام می‌برند. دشوار است اگر بپذیریم که سواران پارتی، در زمان درگیریهای ایران و روم از خاور این کشور گسترده می‌آمدند و در کنار دجله و فرات از سرزمین ایران به گونه‌ای همیشگی و پیوسته به کارهای پارتیزانی (جنگ و گریز) می‌پرداختند. درست‌تر است بگوییم پارتها که در باختر ایران زیستگاه داشتند از همانجا به شیوه ویژه خود با دشمنان در نبرد می‌شدند و پدافند می‌کردند و این با بودن ایلخی ژهای ۱۶۰/۰۰۰ سراسبی در ماهیدشت امروز (به گفته هردوت) برابر است و می‌خواند «سوار اشکانی، اسب نیسائی».

بر می‌گردم به واژه‌های راه یافته از زبان کردی به عربی و اینکه ایرانیان آریایی نژاد در گذشته‌ای بس دور به کوچ در آمدند و زبان خود را به هر جا که رفتند، بردند و گسترش دادند از دگرگونی آن زبان، گویشها و زبانهای امروز آریایی پرداخته شد که آمیختگی و از یک ریشه بودن آنها از ماندگی واژه‌های کنونی پیدا و آشکار است. هراز که نام رودخانه و کوههایی در شمال تهران است در زبان کردی «هه‌وراز» و البرز کوه بلند همیشه سرافراز «ئه‌له به‌رز» خوانده می‌شود و واژه‌هایی که در سراسر زبانهای اروپایی و هندی از آن مادر بزرگ کهن به جای مانده است توان جدا سازی و مرز و دیوار کشی بین این زبانها را دشوار و نشدنی می‌سازد. باید گفت که زبان در سراسر دنیای آریائیان یکی است با گویشهای گونه‌گون در هر کشور و سرزمین به گونه‌ای، انگلیسی، فارسی، آلمانی، پرتغالی، کردی، روسی، لری و ... نام این گویشهاست.

و چنین است که راه پیدا کردن واژه‌های کردی را در زبان عربی باید نشست و واژه‌های آریایی در زبان سامی بر شمرد.